



نگرانی های امام زمان (عج) درباره شیعیان

امام زمان (عج) می فرمایند: نادان ها و کم خردان شیعه و کسانی که به اندازه پر و بال پشه دین ندارند- با رفتار و گفتار ناشایست...

امام زمان (عج) می فرمایند: نادان ها و کم خردان شیعه و کسانی که به اندازه پر و بال پشه دین ندارند- با رفتار و گفتار ناشایست... بسیاری از بزرگان در توقیع و شرفیاب شدن خدمت امام زمان (عج) برخی نگرانی های آن حضرت را در مورد شیعیان درک کرده اند، که قسمت هایی از آنها را با هم مرور می کنیم.

اعمال ناپسند و بی توجهی به عرضه اعمال در تشرّف مرحوم شیخ محمدطاهر نجفی، خادم مسجد کوفه، می فرمایند: « آیا ما شما را هر روز رعایت نمی کنیم؟ آیا اعمال شما بر ما عرضه نمی شود؟ چرا شیعیان برای فرج ما دعا نمی کنند؟« (raquo;4« آقامیرزا محمدباقر اصفهانی می گوید که شبی در خواب گویا مولایم حضرت امام حسن مجتبی (ع) را دیدم که به من فرمودند: « روی منبرها به مردم بگویند که توبه کنید و برای فرج حضرت حجت (عج) دعا نمائید و بدانید این دعا مثل نماز میت واجب کفائی نیست بلکه مانند نمازهای یومیّه بر تمام مکلفین واجب است.« (raquo;5« در تشرّف آقا شیخ حسین سامرایی در سرداب مقدس فرمودند: « به شیعیان و دوستان ما بگویند که خدا را قسم بدهند به حق عمه ام حضرت زینب (س) که فرج را نزدیک گرداند.« (raquo;6«

در تشرّف مرحوم آیت الله حاج سید محمد- فرزند آیت الله سیدجمال الدین گلپایگانی (ره)- امام زمان (عج) فرمودند: « از علائم ظهور فقط علامات حتمی مانده است و چه بسا آنها نیز در مدتی کوتاه به وقوع بپیوندند. شما برای فرج من دعا کنید.« (raquo;7« در تشرّف دیگری که یکی از علماء به محضر امام زمان (عج) پیدا کرده بود آن حضرت فرمودند: « به آنان بگو که برای فرج من دعا کنید تا خدا مرا از زندان غیبت نجات دهد.« (raquo;8« همکاری شیعیان با ظالمان و ستمگران

شیخ عبدالحسین حویزاوی می گوید مردی به نام میرزا احمد رئیس شهرداری نجف اشرف بود، او مرد متدین و خوبی بود که به اجبار او را شهردار کرده بودند. شبی در عالم رؤیا به محضر امام زمان (عج) مشرف شدم و دیدم که رئیس شهرداری نجف نزد ایشان حاضر است. حضرت با تندی به او فرمودند: « چرا داخل شغل حکومتی شدی و اسم خود را در زمره آنها محسوب داشتی؟« (raquo;9« بعد مطلبی فرمودند که آن مرد متوجه نشد من خواستم گفته حضرت را به او بفهمانم. گفتم حضرت بقیه الله (عج) می فرمایند: و لا ترکثوا الی الذین ظلموا فتمسکم النار؛ یعنی، به سوی ستمگران میل نکنید به آنان تکیه ننمایید که موجب می شود آتش شما را فرا گیرد.« (raquo;10« وقتی این جمله را گفتم، حضرت رو به من کرد و فرمود: « پس تو چرا مدح می کنی؟« عرض کردم: « تقیه می کنم.« (raquo;11« حضرت دست مبارک را به دهان گذاشتند و به عنوان انکار سخن من با تبسم فرمودند: « تقیه! تقیه! تقیه! یعنی تو از روی خوف و تقیه مدح نمی کنی- هفت روز بیشتر از عمر تو باقی نیست فردا برو و مَهر حکومتی را رد کن.« (raquo;12«

تحصیل معارف از طریق غیر مشروع امام زمان (عج) می فرماید: « طلبُ المعارف من غیر طریقتنا اهل البیت مُساوقٌ لِانکارنا؛ یعنی، به دست آوردن معارف جز از طریق ما خاندان پیغمبر (ص) مساوی با انکار ماست.« (raquo;13« گناه شیعیان

امام زمان (عج) می فرمایند: « نادان ها و کم خردان شیعه و کسانی که به اندازه پر و بال پشه دین ندارند- با رفتار و گفتار ناشایست خود- ما را آزار می دهند.« (raquo;14« امام زمان (عج) می فرمایند: « به خدا پناه می برم از کوری بعد از بینایی و از گمراهی بعد از هدایت.« (raquo;15«

پرهیز از تصرف اموال معصوم (ع) از توقیع شریفی که به وسیله ی نائب دوّم ابوجعفر محمد بن عثمان از امام عصر (عج) رسیده است، آن حضرت در مورد خمس که باید به فقیه جامع الشرائط پرداخت شود، می فرماید: « کسی که آنچه را از اموال ما در دست او است حلال می داند و بدون اجازه ما در آنها تصرف می کند، همانند تصرفی که در مال خود می کند، ملعون است و در روز قیامت از دشمنان ما محسوب می شود.« (raquo;16«

امام زمان (عج) در توقیع شریفی می فرمایند: « هرکس در اموال مربوط به ما تصرف کند و بخورد، بدرستی که آتش را در شکم خود وارد کرده است و به زودی در آتش افروخته وارد خواهد شد.« (raquo;17«

ایشان می فرماید: «#وقتی برای هیچ کس جایز نباشد که در مال دیگران بدون اجازه آنان تصرف کند چگونه این کار در مال ما جایز می شود؟(raquo;
در توقیع دیگر می فرماید: «#لعنت خداوند و ملائکه و تمامی مردم بر کسی که یک درهم از مال ما را حلال بداند و در آن تصرف کند.(raquo;
پی نوشت ها:

- (4). برکات حضرت ولی عصر(عج)، ص 35.
- (5). ملاقات با امام عصر(عج)، ص 87.
- (6). ملاقات با حضرت مهدی(عج)، ج 1، ص 251.
- (7). شیفتگان حضرت مهدی(عج)، ج 1، ص 184.
- (8). کرامات الصالحین، ص 174.
- (9). برکات حضرت ولی عصر(عج)، ص 361.
- (10). صحیفه المهدی، ص 334.
- (11). احتجاج، ج 2، ص 474.
- (12). الخرائج، ج 3، ص 1110.
- (13). کمال الدین، ص 520.
- (14). کمال الدین، ص 520.
- (15). کمال الدین، ص 521.
- (16). نجم الثاقب، ص 411.